

صدیق السلطه - تا حال مأموریت بر رفتن نداشته‌ام و منتظر نظم و نظمی ظاهر بشود هر نوعی که وزارت معادن دستور العمل دادند عمل کنم.

آقامیرزا طاهر - بگوئید حقوق خودشان را می گیرند یا نه؟

سعدالدوله - البته می گیرند.

آقامیرزا طاهر - مقصود همین است دیگر بروند برای چه؟

رئیس - دیگر اینها خارج از مسئله است از مطلب خارج نشوید.

سعدالدوله - غرض این بود که این رایبورتی که بمن داده بودند در باب عملیات که خارجیه هستند مجلس خواست در این باب کیفیت امتیاز او را بداند که بچه ترتیب است حال که فهمیدیم ایرانی هستند ولی باید آن سی نفر را که خارج اند هم معلوم کنید چه کاره هستند.

در باب امتیاز شیخ الملک مدتی است مذاکره شده صلاح میدانید او را ختم کنید.

رئیس - بلی چه ضرر دارد.

سعدالدوله - جناب وزیر معادن در باب امتیاز شیخ الملک خوبست امتیازنامه آنرا بخوانند.

وزیر - صورتش را داده بودیم بمجلس.

سعدالدوله - من اینقدر می دانم که در میانه وزارت خانها دفتر وزارت معادن از همه مرتب تر است بعد امتیازنامه شیخ الملک را قرائت کردند.

وزیر معادن - این صورت امتیازنامه را دولت نوشته است داده است وزارت معادن مجبور نیست که بگوید صحیح است مجلس رسیدگی بکند هر طوری که تصویب کردند همان طور در دفتر ضبط می شود.

سعدالدوله - پس خوست اینکه صورتهای در کمیسیون اصلاح بشود بعد بیاورند در مجلس.

وزیر - بسیار خوب کمیسیون بکنند.

سعدالدوله - باجناب رئیس است.

رئیس - یک دفعه در مجلس بخوانند بعد کمیسیون بکنند.

آقامیرزا محمود خوالساری - باید صورت او را هم چاپ بکنند بدهند بوی کلا نادقت کنند و مذاکره نمایند.

سعدالدوله - خیلی خوبست اینکار را بشانست که بکنند (بعد از اتمام قرائت آن)

صدیق حضرت - چند روز قبل امتیاز نامه طاهر قرائت شد گفتند باید بیانک ملی تکلیف کرد اگر او قبول میکند نه؛ والا امتیاز آنرا اصلاح کنند و بصاحب امتیاز نامه داده شود.

آقا سید حسین - این امتیازات بیانک ملی داده شده است.

سعدالدوله - اگر در معدن نفت چیزی غیر از آن است کشف شود چه صورت دارد.

خیاط باشی - آن صندوقهایی را که بردند از نصر شیرین بخارج آنها چه بوده است.

سعدالدوله - پس میدانید چرا نمیگوئید؟

وزیر معادن - شماستدی دارید از برای این مطالب یا اینکه بشما گفته اند و میگوئید.

خیاط باشی - عرض میکنم که این مطلب را کسانی که آنجا دیده اند گفته اند.

صدیق السلطه - آنوقت که در نصر شیرین جاه میکنند بنده مأمور نبودم کتابچی خان بود.

آقا سید مهدی - اثبات آن هم ممکن است هستند اشخاصی که اطلاع دارند.

سعدالدوله - اینکه گفتیم کیسیر دولت باشد برای این کارهاست هر گاه کیسیر بود دیگر این حرفها زده نمیشد.

آقا سید محمد تقی - کیسیر را بعضی میدانند خوبست فارسی بفهمائید.

سعدالدوله - من زبانم هادت کرده است نمیتوانم مدتی فکر کنم برای معنی يك لفظ یا زده صالت غیر از این نمیتوانم بگویم عنبر میخوام بعدها آقا بان بدانند که من چه میگویم مقصود از کیسیر چیست و هم (کمیسیون) و (کپانی) اینها همه فرانسه است.

آقا سید حسن تقی زاده - عرض میکنم که تا جندی قبل این ترتیب امتیاز دادن و گرفتن در ایران معمول و مرسوم نبوده است همه اینها برداشت از خارجه است این امتیاز نامه ما را اغلب همان صاحبان امتیاز می نویسند بترتیب آنچه وقتی که ترجمه شود زیادات خیلی دارد مثل اینکه آنچه خوب محتاجست از چنگل قطع کند یا فلان و فلان اینها را خوبست اسقاط کنند.

رئیس - البته بعدا باید بنظر مجلس برسد اصلاح خواهد شد.

سعدالدوله - مقصود خیاط باشی از میانه نرود.

وزیر معادن - اگر سند داشته باشند صحیح است

خیاط باشی - سند را هم تحصیل میکنیم و اثبات می نمایم.

حاجی سید باقر - من خودم آنجا بوده ام که چند قاطر بار کرده بودند میبردند هر چه جویا شده ایم که چه چیز است گفته اند خاکست که میبرند.

پسر کتابچی - (۱) آن خاک معدن نفت بوده است که برای امتحان برده اند.

سعدالدوله - معلوم شد میگویند خاک همان معدن بود.

حاجی معین التجار - رسم است وقتی که چند ذرع جاه کنند قدری از آن خاک را برای امتحان حمل میکنند میبرند.

سیدالحکما - برای امتحان یکبار يك لنگه چند ریاضه ببرند بار ابرام برای امتحان است.

رئیس - شش نفر از برای کمیسیون تحقیق این مطلب معین شدند.

سعدالدوله - بسیار خوب مشغول شوند.

حاجی سید نصر الله - این شرکت مصنوعی که این صاحب امتیاز کرده است برای کپانی کافی بود.

رئیس - چه فرقی میکند منظور پول دادن و اداره کردن است.

سعدالدوله - حالا باید کافی دانست آنوقت که اقدام می کردند بایست حرف زد که کسی چیزی نکفت.

آقا میرزا محسن - از بابت تراموه چیزی خدمت شما نوشته بودند خوبست قرائت شود.

سعدالدوله - صورتی دادند اینجا پیش من نیست.

(۱) و کبل نبود.

بعد امتیاز نامه بانک ملی را قرائت کردند با باین فصل که:

بعد از انقضای مدت امتیاز بانک شاهنشاهی این امتیاز راجع بپانک ملی است.

آقا سید محمد تقی - امتیاز بانک شاهنشاهی معاون نیست چند سال است.

سعدالدوله - شصت سالست.

(در فضلی که باید مفتش از جانب دولت رسیدگی نماید).

سیدالحکما - خوب بود که مفتش در سال یکمرتبه دو مرتبه قید بشود که رسیدگی کند.

رئیس - آن مطلب در نظامنامه بانک هست.

سعدالدوله - سالی یکمرتبه بیشتر لازم نیست.

آقا سید محمد تقی - این تفتیش بمعهده دولت است یا بخودشان.

رئیس - دولت است.

آقا سید محمد تقی - پس چرا قید نشد.

(فضلی که اگر سهام این شرکت بورا است یا تبدیل تابعیت برعیت خارجه تعلق باید در مدت یکسال بیاید بجاهان شرکت بفروشد مطرح شد)

آقا سید محمد مجتهد - اگر تا یکسال نفروخت چه میشود.

آقا میرزا طاهر - میگوید اگر بورا است یا تبدیل تبعیت خارجه باشد در مدت یکسال باید بداخله بفروشد والا حق شرکت ندارد.

حاجی سید نصر الله - فرض اینست که این مطلب باید واضح باشد شرکتش که باطل میشود آن وقت پولش بچه نتواست این مسئله توضیح لازم دارد.

حاجی سید محمد - اینهم امتیاز نامه بود که خوانده شده است باینکه صاحب امتیاز ملت هستند چقدر دقت و احتیاط میشود.

آقا سید محمد مجتهد - بعد از بطلان اشتراك پولش چه میشود.

آقامیرزا محسن - شرکتش باقیست در خارجه این طور معمول است که حق شرکت دارد ولی حق امتیاز ندارد.

رئیس معنی اینست که پول او با بطور امانت است یا منتفک میگیرد و در بانک هست حق سهام و شرکت امتیازی ندارد.

حاجی سید محمد - آقای رئیس خوب!

امروز این مسئله را تمام بکنید.

رئیس - اینجا نمیشود باید در اطراف دیگر باشد.

آقا سید حسین - بنا بود دیروز در آن -

مطلب بصدر اعظم چیزی بنویسید.

رئیس - بلی نوشته شده است.

مذاکرات دارالشورای ملی

سه تن به شهر ذیحجه

آقامیرزا ابوالحسن خان - موقع از برای مذاکره شده است خوبست اجازه بفهمائید.

رئیس - هنوز عده و کلا باندازه کفایت نرسیده است.

صدیق حضرت - چرا کانیست فعلا سی و شش نفرند.

رئیس - اول صورت مجلس روز گذشته را بخوانند.

(آقا سید محمد تقی صورت مجلس روز یکشنبه را قرائت کردند)

آقا میرزا بوالحسن خان - چون جناب آقا پرروز اجرا نظامنامه داخلی را خواسته بودند عرض میکنم که نظامنامه داخلی باید اجرا شود بعضی دین بعضی نمیشود تمام فصول آن باید مجری بشود.

آقا سید حسین - تاحال که نظامنامه نبود و حکام مانع از انتخاب و کلا بودند و نمیکذاشتند که امر انتخاب صورت بگیرد حالا که نظامنامه اساسی هم صحت شد پس سید از علمای روحانی را از برای انتخاب خوب می بیند در حالیکه با علمای و حجج اسلام و حکم صدارت میخواهند انتخاب کنند ایشان را گرفته و خوب بست که یعنی چه چرا شما برای مجلس شورای ملی وکیل انتخاب میکنید متغلبین اهل تنگاب اینجا حاضر نفرض اینست که او را بخواهند حاضر کنند که چرا علمای روحانی را خوب زده مقصود عزل او نیست باید مجازات داد (عریضه که آقایان طلاب تنگاب در این باب نوشته بودند باین مضمون قرائت شد که امیرامد جناب شریعتدار آقا شیخ محمد را خوب بست برای اینکه چرا اقدام درامر انتخاب نموده و پیشتر را هم میگویند بریده است.)

آقا سید محمد تقی - با این ترتیب واغتشاش نمیشود زیست کرد باید کاری کرد که بمجازات برسد پس چه وقت باید اجرای احکام و قوانین کرد.

آقا سید حسین - اول چیزی که لازم است این است که مجلس بتواند احکام خودش را اجرا بداد درانتخاب خراسان که آصف الدوله مانع بود و تا حال تمویق افتاد عزل او را خواستگار شدیم و حال اینکه او علمدارا بچوب نیست بود اینک این کار را کرده گذشته از عزل حتما باید مجازات شود

آقا سید حسن ققی زاده - اینگونه اخبار در هر صدی نود آن دروغ است نباید قبول کرد مردم بسیار حرف میزنند سند لازم است بایم یقین باید اطلاع پیدا کرد شاید برای این بود که چون انجمن ملی خواستند تشکیل بدهند و هرزگی و شرارت نمایند حاکم جلوگیری کرده والا حکام ما منز و میرا از این حرکات هستند که ظلم و تعدی نمایند این جوابها نیست که وزیر داخله بما داده است دیگر در مقابل این جوابها شما چه میگویند می بگویند که آصف الدوله فلان کرده است باید بمجازات برسد یا لاینا کم چنین کرده است باید عزرا خواست آنوقت هم بردارید بنویسید بصدارت جواب هم نرسد آخر اینهایی که نوشته شد چه شد باید این حکام را بیدان و بیخانه حاضر کرد و ایشانرا بدار زد تا بدانند منی مجازات را حالا همه صدا بصدای هم بدهید بگویند که خدا وجود این حکام را بردارد در این مدت هزار مطلب نوشته شد جواب آنها چه شد یا جواب نمیدهند یا میدهند در اینجا خوانده نمیشود

آقا سید محمد تقی - چرا بعضی را که جواب داده اند.

آقا سید حسین ققی زاده - چیزی که در اینجا شنیده نشد.

آقا سید حسین - باید او را آورد و در همان میدان تو بیخانه مجازات کرد.

حاجی سید اسمعیل - مجازاتش اینست که همان طور او را باید در همانجا که این شخص را خوب بسته بچوب بست و قصاص کرد.

حاجی سید نصر الله - این مطالب کاشف از این است که دولت هیچ همراه با ملت نیست و همان نحو استبداد و خود سری که در وزرا و حکام بود هست فقط ذات اقدس همایونی ملت خواه رعیت پرور است اما آلات اجرائیه که وزرا هستند هیچ نحو حاضر در همراهی نیستند مثلا پرروز وزیر مالیه در اینجا بیک حسن بیان خودش را از مسئولیت خارج میکند این طفره است این اصلاح بود چه مالیه نیست چرا او نباید همراهی و راهنمایی کند تا کار پیشرفت داشته باشد و همچنین وزیر علوم می آید در اینجا می نشیند و هیچ نمیکوید چرا نمیکوید که اشخاص لایق و قابل کیانند چرا در معارف سعی نمیکند چرا نمیکوید که تا حال این ترتیبات ترجیح بلا مرجع یا ترجیح مرجع بر راجع بوده است ابتدا این وزرا هیچ حاضر نیستند و نمیخواهند اصلاح مملکت را کنند در اینجا از چند نفر انجمن عدلیه تشکیل بشود این انجمن آخر کتاب میخواهد مترجم می خواهد اجزاء میخواهد و وقتی که دولت همراه نباشد چه حاصل دارد.

حاجی سید اسمعیل - بدخواست نا همراهی کنند این چه مجلسی است فایده اش چیست؟

آقا سید هاشم - این وزرا هیچ دوست نمیدارند این مجلس را همین ها بودند که این همه کارها و خرابی ها را که در مملکت هست کردند همین ها اهل این مملکت را کشتند و بعضی را بیرون کردند و جمعی را در کربلا هدف کوله کردند همین ها اموال و عرض و ناموس مردم را بید دادند شما برای چه اینجا نشستاید چه مجلسی است این چه کار است باید اخلال خانین را رفع کرد و قانون را اجرا داشت.

آقا سید محمد مجتهد - تجار دار و می گفتند که هزار نفر اینجا کشته اند این مجلس بهانه شده که هزار قسم فتنه و فساد و شرارت و فحارت میکنند و هر گاه بگویند که چرا جلوگیری نمیکند جواب میدهند که این همه را مجلس باهشاست.

حاج سید نصر الله - همه کارها را بعداً خراب کردند و میخواهند تقصیر را بمجلس داند کنند.

آقا سید محمد مجتهد - من بصدور اعظم نوشتم که تجار را بصدور آخوند ملا محمد را خوب بسته جواب نوشت که هرزه بوده تنبیه کرده است.

حاجی سید نصر الله - من میگویم که مجلس اگر میخواهد که مجلس باشد بکند تکلیف خودش را معین نماید که چه باید بکند

آقا سید حسین - شما باید از پادشاه بخواهید که بقوه اجرائیه تکلیف مجلس را معین نمایند و احکام مجلس را اجرا بدارند.

حاجی سید نصر الله - اطراف شاه کسانی هستند که راضی به پیشرفت مجلس نیستند و نمیخواهند که قانونی باشد و الا اگر بخواهد که کارها را اصلاح کنند مثلا تو بیخانه را خوب بود بیک شخص قابل تر میدادند یا کارهای دیگر را باشخاص قابل رجوع کنند اگر چه اینها کار مجلس نیست ولی باید گفت که بازمثل سابق کارها نمی باشد بر حسب استحقاق و لیاقت باشد.

حاجی محمد اسمعیل آقا - البته کارهای ادارات اختیار آن پادشاهست بهر کس میخواهد میدهد ولی مجلس کسی مانع از کارهای حکومت بوده است

و جلوگیری کرده است که آنها نتوانند امتیاز مردم بدهند اینها همه بهانه است و بعداً جلو مردم را رها کرده اند که هر چه و هر چه بشود بگویند این خرابیها از مجلس است والا مگر نمی توانند که راهها را امن نمایند و نگذارند مردم شرارت و فساد کنند.

حاجی سید نصر الله - یکی از کارهایی که تازه شده است اینست که در سر آب سردار یک طفل غیر بالغ را بیک نفر یا او فعل شنیع کرده و نزدیک بهلاکت است چرا این مطلب را رسیدگی نمی کنند.

حاجی سید باقر - اینها که میگویند چه فایده دارد و وقتی که جواب بدهند باینکه آخونده رده بود شما دیگر چه میتوانید بکنید منتها چند کاغذ پاره بنویسید یا چند نفر آخوند پاره نه برود عارض بشوند اینها که مقابلی با صدهزار تومان سپه دار نمیکند حاصلش چیست.

آقا سید مهدی - مردم همه بشما نگاه میکنند شما باید جدا آنچه تکلیف است از دولت بخواهید و مسامحه نکنید دیگر جای مسامحه نیست.

حاجی سید نصر الله - آخر مجلس چه کند مجلس که قوه اجرائیه ندارد باید دولت اجرا کند.

آقا سید حسن ققی زاده - اگر بخواهیم بگوئیم که کار از پیش برود همانست که آقا گفت باید جدا خواست ولی آنوقت میگویند شما جبارت میکنید و شدت دارید باید کار از روی قاعده باشد.

حاجی سید نصر الله - ما که نمیخواهیم کاری برخلاف قاعده بکنیم چه جبارت دارد البته باید خواست تا اصلاح شود نشستن و حرف زدن در اینجا چه فایده بجا می آید تا کون آیا بیکول کار صورت گرفته ؟

آقا سید هاشم - ما که غرضی نداریم ما میخواهیم کاری از پیش رفته باشد و الله بالله چیزی ندانده است که مملکت بالکلیه از دست برود عرض و ناموس ما بدست خارجه بیفتد دیگر از این مات چیزی باقی نیست و باید این دعا را بخواهیم اللهم افتح لنا بنصر تمز بها الاسلام و اهله و ثقل بها الاتفاق و اهله بدانید که ما از یهود و نصاری بدتر خواهیم شد و بدست دشمنان ذلیل تر خواهیم گردید این وزرا و خائنین هیچوقت با ما همراهی نداشته اند و ندارند شما از ایشان هیچوقت انتظار نداشته باشید کاری بکنند که حاصل داشته باشد.

آقا سید مهدی - وزرا آنچه دارند بواسطه دستخط شاه است شما هم که همان دستخط را بهتر و معکم تردارید بخواهید که امر همایونی شود یا وزرا بنشینند اگر همراهی دارند با مجلس بگویند و حاضر باشند و اگر نه ملت بعداً تکلیف خودش را با ایشان بداند که چیست.

آقا سید هاشم - چرا از برای بانک ملی هر روزی یکباری درمی آورند چرا مسامحه میکنند و امتیاز نامه او را تمام نمیکند نمیدهند روز یکباری کمی زیاد میکنند چرا نمیکند که این بانک زودتر تشکیل شود اگر اینها همراهی هستند اینها مال دولت و ملت را که خورده اند چرا همراهی ندارند و پول نمیدهند.

معمار باشی - اینها سالهای سالست که

میان ملت و دولت جدایی انداخته و این دورا لو هم سوا کردند میان سر و بدن جدایی انداختند آنچه توانستند کردند این همه ظالمها و خرابیها را اینجا کردند مملکت را بیاد دادند هیچ یک از پادشاهان قاجاریه با ظلم نکردند هر چه کردند همین اینها کردند تمام این وزرا خائن هستند ملت حاضرند که خیانت اینها را ثابت کنند ولی بهمدالله اینها نمیتوانند از ما خیانت ثابت کنند این پنهان کروری که دولت مقروض است برای چیست ؟ تمام و این وزراء خورده اند و زیر مایه میگویند که سالی پنج کرور از جمع کسر داریم بقول او اگر چنین است پس باید در اینده دولتیست و پنجاه کرور دولت مقروض باشد و پنجاه کرور تمام اینها دزد و خیانت کار و مقصد و جان فروش هستند ملت را بهوض صد دینار دیشل میفرورشتند این سلطان جوان جوان بهشت مارخور کردند و با او خیانت میکنند من از شخص موقوف شنیدم که این پادشاه را زلف مطوف همیشه مشغول بغنائن مرایض و مکتوبات و نوحتهن رفیجات هستند مگر در موقع غذا و جای خوردن تمام اوقاتش مصروف بکار و زحمت است ولی این خائنین متقلبین که مثل نکبش انکشتن دور او را گرفتند و ذهن مبارک او را مشوش میکنند نیکنداند که کاری از پیش برود اینها سالها است که بالدرم واشتم این مرد مرا چاییدند و خورند ابد نخواهند راضی شد که جلوگیری از ایشان بشود اگر میتوانی که بشاه عرض کنی و تکلیف خود را معین نمایی و الا این ملت دیگر بهمداه حاضر نیستند که ایشان بخوانند بدلیخواه خودشان را اینها رفتار کنند دیگر از این مردم جز یکجان چیز دیگر باقی نیست و این حرفها در اینجا فایده ندارد باید تکلیف معلوم شود چرا اینها بابانک ملی همراهی کنند که جلوی دشلو دزدی اینها گرفته شود هیچوقت نخواهند کرد.

آقای مشهدی باقر - برای پیهم بابانک همراهی کنند و پول بدهند میگویند مایول بهیمیم دیگران بخورند و حاصلی برای ملت نداشته باشد چرا بهیمیم بنده مثلا چند نفر اصناف بیچاره را حاضر کنیم برای دادن یک مبلغ پولی که بخون دل او را فراهم آورده یا فرض کرده بدهد بیانک آنوقت فلان وزیر یا فلان سردار این پول را بخورد چرا هیچکس راضی نمیشود باین ترتیب ؟

آقای سیدهاشم - ما اهل آذربایجان از جان و مال و عرض و ناموس حاضریم که نگذاریم این وزرا و خائنین دیگر ما را بپایند و خون دهن بیچاره را بخورند ما هم قسم با دولت همراهی داریم که پول بدهیم و اسلحه و جان بدهیم برای پیشرفت مقاصد مملکتی و این اقتضای سرحد ازمه از اجار و اوباش است اینها میتوانند که دفع این حرکات را بکنند ولی نمی کنند و میخواهند بکنند اینها بودند که فیروزه را بدو شیشه کتیک فروخته بدروس همین ها بودند که مملکت ایران را در عوض دوپول بدشمنان دادند ما اینها را بخوبی می شناسیم اینها نخواهند که مملکت آباد شود اینها می خواهند به منظور مملکت را بفروشد و نیکنداند که کلر مجلس پیش برود دل ایشان والله بصلال مملکت و ملت نوسخته است فقط دل پادشاه میسوزد اما اینها شب و روز چنان امر را در نظر پادشاه جلوه میدهند و تقلب میکنند و خود را دوستدار شاه و مملکت

بالم میبندد که بر همین پادشاه امر نیکنداند بشود باید پادشاه مرض کرد که این خائنین را از خود دور کنی قدری بگذارد که اینها ما بلا و سله بر سره و بتوانند بخورد مایولی بی واسطه عرض کنند.

حاجی سید باقر - خوبست اینجا یک تلفون کار بگذارند که در این موقع با شاه بلا واسطه عرض شود.

آقای میرزا ظاهر - حال میگویند چه باید کرد و تکلیف چیست ؟

آقای سید محمد تقی - عقیده من اینست که از مجلس مرضی بشود بخورند مایولی و از طرف صحیح اسلام هم منعده نوشته بشود که وزراء با مجلس هیچ همراهی ندارند و نیکنداند کاری از پیش برود تکلیف چیست چه باید کرد باید جوابی می دهند تکلیف معلوم می شود.

حاجی سید نصر الله - آخر پر روز سه نفر وزیر معترم در اینجا حاضر شده بودند هیچ بلو از ایشان فایده عاید این مجلس نشد و آخر راهی که با وسیله اصلاح امور و خیر مردم و پیشرفت مقاصد باشد ارائه نکردند و همراهی نمودند فقط وزیر مایه آهم بیک حسن بیان خود را از مسئولیت یک امر شخصی خواست خارج بکنند این معنی همراهی و اصلاح نیست.

آقای سید حسین - اگر ده سال بشنیم و شکایت از ایشان نمانیم تمام نخواهد شد باید بشاه عرض کرد تکلیف ملت معلوم شود.

حاجی سید نصر الله - آنها خواهند به ندای بلند گفت که ما هم مسئول نیستیم.

آقای سید حسین - ما هم پندای بلند خواهیم گفت که تا جان در بدن داریم در دفع خائنین دولت و ملت حاضریم دیگر این ملت آن ملت نیستند.

آقای سید حسین - شاه آن نطفی که فرمودند معلوم است که کمال مساعدت و همراهی را با مجلس دارند خودش حکیم است بهتر از همه می داند نباید حضوراً عرض کرد البته رسیدگی میفرماید.

آقای سید محمد تقی - از مجلس باید نوشته شود و از طرف علماء هم بالغضوب بنویسند که باید وزرا را همراه کرد.

آقای سید محمد مجتهد - این مجلس بیفایده است مجلس نیست این کلان که حاضر میشوند میترسند آنچه میدانند نمیگویند.

آقای سید محمد تقی - چرا میترسند هیچ نمیترسند آنها نمی ترسند حاضر نشوند دلیلی ندارد که بترسند (جمعی گفتند که آقا درست می فرمایند میترسند)

آقای سید محمد مجتهد - اگر آنها این مجلس را نخواهند بر ما است که بگوئیم که سلطنت با مجلس توأم است و این پادشاه پادشاه مجلس است این قانونی است که پدر این پادشاه با داد و خودش هم امضا کرد اگر این مجلس نباشد بشما بگویم که اتحاد روس و انگلیس چندی نیکنداند که ایران را با مشار و تقسیم میکنند و هر یک یک قسمتی را تصرف میکنند حال این طاعت تکلیف نشود و بهانه نم این همیارات لا ابرار اینها است خود شخصی پادشاه همراهی ولی نیکنداند.

سعدالدوله - تکلیف چیست جمعی فرماید؟

آقای سید محمد مجتهد - باید بشاه نوشت کار و فیکه این مجلس منعده شده حکام ظلم و تعدی خود را زیاده تر کرده اند و راهها همه جا نامن است و ابد اینها در صدد اجراء وظیفه حکومتی خود نیستند اگر باید مجلس باشد باید بلو از ما آن عمل کرد و اگر نمیخواهد آهم معلوم باشد.

سعدالدوله - من این مطلب را اگر لرا گفتم بلزم حالا میگویم که این مجلس مجلس نیست و کاری از او پیش نخواهد رفت.

آقای سید محمد مجتهد - دولت با مجلس داده است و ما دارای سلطنت مقروعه هستیم باید بلو از ما مشروطه کی عمل خود این معنی مجلس و مشروطه کی نیست.

حاجی محمد تقی - مطلب همین است که فرمودید باید بلو از ما مشروطه کی عمل شود.

آقای سید حسین - باید نوشته شود که بلو از ما مشروطه کی عمل شود و خائنین را بجای عمل برسانند.

آقای سید حسین - عرض کردم که خود شخص مایولی همراهی است باید حضوراً این مطلب را خواست **آقای سید محمد مجتهد** - این وزرا حاضرند که خون خودشان را بر سر این کار بگذارند و نیکنداند مجلس پیش برود.

سعدالدوله - هر موقتی یک مطلب را جلب میکند این موقعیکه گفته اید وزرا حاضر نیستند می گویم که من بمدر اعظم ما گفتم که شما خانه خودتان را بطور منظم میکنید اگر خیانتی از این اجزایده اید غیر از اینست که ناظر را بجای آبدار و قهوهچی را بجای پیشخدمت و فلان را بجای فلان تغییر و تبدیل میدید و هر خانه دولتی هم که کتر از خانه شخصی نیست همین کار را هم در آنجا میکنند که این مسند را تبدیل بمسند دیگر میکنند و آن دیگری را بجای دیگر می نشاند این معنی اصلاح نیست این همانست که آن مسند را خراب کرده بود این را هم خراب خواهد کرد معنی اصلاح تغییر کابینه دولتی است که وزراء با علم و درست کار و صحیح باشند و وزیر همه چیز میخواهد جز پول و هنوز ما معنی دولت را نمی دانیم دولت را تصور میکنیم بوجود مقدس شاه معنی دولت این نیست دولت معنی اش بهیت وزراء است که آن را کابینه دولت میگویند که با رئیس خودشان صدر اعظم هم رای و متفق کار کنند و این بهیت در دولت ما مرکب از هشت نفر بیشتر نیست که تمام آنها متحداً باید مسئول باشند در نظامنامه اساسی در آن فصل نوشته شده است اینکه هر گاه یکی از وزراء بقلب دستخطی صادر کرد باید عزل او را از پیشکام مایولی خواست حال شما ببینید این وزراء مارا که هر یک برای خود اداره دارند و هیچ با هم اتحاد و اتفاق ندارند هر یک جلب نفع شخصی خود را میخواهند باید این مطلب را بشاه حضوراً عرض کرد یا مجلس عرضی عرض نماید که بهیت وزراء که آنرا کابینه میگویند باید متحداً خودشان را مسئول مجلس بدانند و تا اینطور نباشد هیچ فایده نمیتوان حاصل کرد والله اینها شاه را هم گول میزنند والله بالله اینها متقلبند رقی شاه را متقلب میکنند و خودشان را مسئول نمیدانند مسئول مجلس میدانند و نه مسئول شاه مسئول نفع خودشان میدانند جناب وزیر مایه می آیتند و مجلس

برای اصلاح مایه جمع و خرج مالیات را شرح و بسط میدهند ولی معنی مالیات نگفتند چیست معنی مالیات اینست که این راهها که این مالیات را میدهند برای حفظ اموال و عرض و ناموس است و برای حفظ حدود و ثغور و حقوق است و برای امنیت و آسایش است کدام یک از اینها در مملکت ما هست بلی وزیر مایه شخصی عاقل و عالم و کار دانی است تحصیل کرده و دیلمت است از سایر وزراء عالم تر است ولی باید کارها را اصلاح کرد و همراهی نمود نه اینکه خود را از مسئولات امری خارج کرد حال اگر صلاح میدانید همین طور بشاه عرض بنویسید که فردا بهیت وزراء بیاید در مجلس انجمن مخصوصی تشکیل میکنیم بهیتیم که میگویند خودشان را مسئول میدانند یا نمیدانند من نمیخواهم بهمداه وزیر بشوم یا مصدر کاری بشوم میگویم که این مجلس خیلی شان دارد خیلی محترم است شاه که میآید در اینجا قدر خودتان را نمیدانید بعد از قدر خودتان را بدانید که خیلی مقام بزرگ دارید من از همه کارها گذشتم و فقر میکنم حالا که روزها میآیم در اینجا و باین اصناف می نشینم مگر آنها چگونه؟ آنها غیر از این مردمان هستند؟ اگر بیایند در اینجا نفس شان ایشانست چرا نمیدانند چرا نمیگویند اگر چیزی میدانند چرا ساکت نشده اند؟ مطلب که پوشیده نیست همه کس میدانند اینکه من چندی پیش گفتم بودم که دست غیبی در کار است مگر نشنیده اید یا نه میباید که مقصود چه بوده است آن دست غیبی پول است رشوه است که میدهند و نیکنداند کار پیشرفت کند این اول سلطنت است که پول و رشوه میدهند که نگذارند این اساس پیش برود من میگویم که نصر السلطنت نوکر دولت است نمیخواهم اظهار دوستی با او بکنم شاهه مسبوقید که او در زمان ولعهدی این شاه با من چگونه رفتار نموده است ولی میگویم اگر او مقصر بود یا خائن است چرا او را حکومت داده اید و اگر مقصر نبوده است چرا او را عزل کرده اید اگر چه اینها تکلیف شخص مجلس نیست که بگویند ولی مجلس میخواهد بداند که تقصیر این شخص چه بوده است تا بعد از تکلیف معلوم باشد این روزنامه مجلس من میدانم که مدیر آن چه قدر زحمت میکشد و چقدر پول خرج میکند برای این بی ترتیبی نطقها جایی که میخواهد مطلبی را بنویسد با هم آن اشخاصی که عنوانی دارند با اشاره میکنند و تمام نمیکند این برای اینست که آزاد نیست و نمیتواند بنویسد من امروز میخواستم بایم زیرا که این آمدن و رفتن فایده ای ندارد برای همین آمدم که بعضی از مطالب را بگویم که مجلس تکلیف خودش را نمیدانند حالا همینطور که عرض شد مجلس بنویسد بحضور هیوتی که بهیت وزراء بیاید در اینجا ببینیم که آنها مسئول این مجلس هستند یا نیستند و بعد با مجلس چه گونه رفتار میکنند.

آقای سید حسن تقی زاده - این را هم باید نوشت که یسر سیدها را بخوانند و ببینند مجازات برسانند

سعدالدوله - باید بطور کلی نوشت این ها فروعات است و این هم کافیست که یکی از اجزاء بستانه بمن نوشته است ببینید چیست من نمیتوانم هر روز اینجا یک مطلبی بگویم و از پیش نرو (جمعی گفتند که دو عریضه نوشته شود یک در خصوص آمدن وزراء یکی هم در خصوص یسر سیدها که مجازات برسد)

آقای سید محمد - باید درست نوشت و خواست که بیاید.

سعدالدوله - حالا همه رای میدهند که بنویسند؟ (همه گفتند بلی باید نوشت)

سعدالدوله - پس خوبست همان عریضه را دو قسمت کنید یکی در کلیه آمدن وزراء و دیگر راجع بامر تنکابن و این مطلب را در همان ذیل عریضه اشاره نمایند.

(در این موقع متظلمین اهل تنکابن از آقایان بهیجان آمدند و اظهار تظلم و تشکی نمودند)

آقای میرزا محسن - این بیچاره رفته بوده است که از طرف شرع و عرف اجرایی حکم نمایند انتخاب کند اینگونه ظلم بر او نموده خوبست که از طرف آقایان هم چیزی در این باب نوشته شود.

آقای سید عبدالله مجتهد - از قرار معروف یسر سیدها را یک نفر را بضرر چوب کشته است. (پرسیدند که کی بوده است)

آقای سید عبدالله - از قراری که میگویند یسر سیدها را نوکری داشت سید ما واجب وطنی داشت از یسر سیدها مطالبه کرده است او را فحش داد و بیرونش کرد رفت پدرش عارض شد بعد که دید رفته از دست او عارض شده او را گرفته چوب زد و بعد از چوب زدن بسومش کرد سید مرده است.

آقای سیدهاشم - فیدانم از دست دزدان خارجه بنالیم یا از این مقصدین و خائنین داخه.

آقای سید عبدالله مجتهد - آن یسر دیگرش که در تنکابن آخوند ملا محمد که میخواست با انتخاب اقدام کند او را گرفت چوب زد از حضرات متظلمین سؤال کنید.

(از متظلمین سؤال کردند آقا میرعماد تفصیل را بیان داشت که هفت مکتوب از طرف آقایان و یکی از طرف صدارت که همه برای امر انتخاب بوده است فرستاده شده است برای جناب آقای سید محمد اوم این ها را گرفته رفت نزد امیر اسعد که این نظامنامه و اینها هم حکم حجج اسلام و صدارت برای انتخاب امیر اسعد گفت این حرفها چیست این معال ثلاثه تنکابن حکومت مسئله است و این شخص را گرفته و چوب زد و خواست ریشش را ببرد بعضی گفته اند که بریده و در این مواقع چون تلگراف خانه هم با ایشانست نمی گذارند که تلگراف کنند دو سه نفر قراراً خواستند بایند سیرده است که آنها را هم از هر کجا باشد بگیرند.

استبداد عین الدوله از سر مسلمانان کوتاه شد چند نفر دیگر هم باقیند ریش آنها که کده شد مسلمانان راحت میشوند.

سعدالدوله - اشتباه کرده اید اگر تمام اینها برداشته شوند باز ریش استبداد باقیست.

آقای سید مهدی - عقیده من این است که مجلس در این باب انجمن تعقیبی تشکیل کند که رسیدگی نماید.

سعدالدوله - شما چگونه میتوانید ثابت کنید که یسر سیدها در این کار را کرده است گفتند که با قای حبه الاسلام نوشته اند.

آقای سید محمد مجتهد - من بمدر اعظم نوشتم در جواب من نوشت که این آخوند ملا محمد

آدم دل مرزه مرزه بوده است مرزه کی کرده است چوبش زده اند.

(باز در این موقع آقا میرزا عماد اظهار داشت که هیچ اثباتی بهتر از این نیست که مرا بفروشد در تنکابن ۱ رمن زنده برگشته تمام مطالب و تظلمات ما دروغ است والا اگر مرا کشتند بدانید که تمام مطالب ما راست است)

آقای سید حسین - عریضه که در باب یسر محمد همدانی مکتوب که اقتدار السلطنت او را بضرر چوب و کتک مسموم آگشته است برادرش عرض کرده بودند بعد عریضه را خواندند که مشتمل بود بر تفصیل قتل سید بهجت مطالبه کردن مواجب و حقوق خود و عارض شدن پدرش و بیرون کردن او بعد بردن او در سر طوبه و شب نشن او را بیرون انداختن و غیر دادن برادرش و از آنجا بمریضخانه بردن و دو روز در آنجا بودن بعد آوردن بمنزل و مردنش که بدن او کبود و معیروج بوده است.

سعدالدوله - حکایت چوب زدن در این عریضه نیست.

آقای سید محمد تقی - نوشته است که کبود و معیروج بود بعد از برادر سید که در آنجا حاضر بود سؤال کردند اوم همینطور شرح داد.

سعدالدوله - باید از مریضخانه سؤال کرد از آن طبیبی که او را معالجه میکرد اذاینکه او مسموم بوده است یا مرض دیگر داشت اگر گفته اند مسموم بود آنوقت باید از آن اشخاصی که در سر طوبه شب با او بودند تفصیل را خواست و استنطاق کامل کرد بعد مکتوبی که ملا محمد کاظم خراسانی نوشته بود در اوقات شد

بسم الله الرحمن الرحیم

بعرض میرساند بشارت اتفاق امر مجلس محترم شورایی که بر سبیل اجمال تلگراف آن حجج اسلام دامت برکاتهم متضمن بود و در طی مکاتیب واصله تفصیل حسن ترتیبات را دیگران اختیار نموده اند از اعظم بشارت والیه این توجه نفوس و اتفاق ملی بشما دیگر مستند و از مدد غیبی کاشف و امید است که انشاء الله تعالی عنقریب نتایج مأموله باحسن وجه مترتب و نامان در عداد سایر ملل و دول قویه عالم بشمار آمده و این معنی از اثر سعادت این عهد همایون و حسن نیت این شاهنشاه دین پرورد ادام الله تعالی سلطان در اعصار لاحه یادگار بماند.

و یقین است که فصول نظامنامه قانون اسلامی را بحسن مراقبت آن آقایان عظام طوری مرتب و تصحیح فرموده اند که در مواد راجه بمعاکات و سیاسات با موازین شرعیه منطبق و بتوارد انظار و مرور دهور و اعصار مورد ششه و اشکال نباشد انشاء الله و چون در این موقع مبادرت بشکر از این نعمت و تبریک این مویت مناسب بود لهذا بتوان خود مجلس محترم ملی شرحی معروض و ضمناً هم مهم لازم را که اهمه ترتیبات صحیح در تخلص از ذلت قرض دولت ابد آیت است مذاکره نموده از احاط عالی خواهد گذشت انشاء الله بذل مراقبت کامله خواهند فرمود.

در خصوص واقعه فحیمه کربلای معلی که البته شرح آن تاکنون بر عرض رسیده و خاطر آقایان مسبوق است که منشاء التجای کبیه بیچاره آن بقده مقدسه بانگلیس صفت کبری حکومت بر خصوص

آنها دون اتباع سایر دول در مطالبه شهریه که در سال هادری سکر بلا برای تدارک مصارف سون سکریان بلده مقدسه احداث نموده و از روی نقشه طهران و نیز بر آن بیچاره ها خود را در این و در حه واقع ساختند و چون مقصودشان حمایت و دفع احمافات بود قبول نشد متصرف کر بلا هم که رشید پاشا مفتی زاده زهادی بقدادی است باقتضای شدت مخالفت پلنیک این موقع را منتقم شرده و در هشتم شهر سیام با جماعت ضبطیه و عسکر و غیر هم بر آنها هجوم ورده فرار بر ایشان مسدود و همه را هدف گلوله نموده و آخر کار رئیس عسکریه ترحم کرده راه فراری برای ایشان باز نمود و جمع کبری از آنها مقتول و جمعی مجروح و بعد از فراغ از قتل نفوس بنهب اموال و حتی سلب اجساد مقتولین پر داشتند.

و با آنکه مدتی گذشته و چگونگی را تلگرافا خدمت صدارت عظمی دامت شوکته ممرض داشته میباشد تا کنون از تدارک این واقعه و مجازات مرتکبین اثری ظاهر نشده و امید است که منتقم حقیقی کبیر بعد بلی امر بکه موجب مزید بزرگی این مصیبت است جرئت و جرات حکومت بر این عمل شنیع بعد از گرفتن سند رسمی از امود انگلیس بعدم ارتباط این جماعت باو محض استضعاف دولت بوده میباشد و من و این معنی مزید اصل مصیبت و بیشتر موجب احتراق قلوب است علی کل حال رجاه واتی هست بددغیبی و الطاف لاریبی تدارک این مصائب وارده بشود لا حول ولا قوة الا بالله العظیم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

الاحقر محمد کاظم الخراسانی عفی عنه

مذاکرات دارالشوری ملی پنجشنبه نهم ذی حجة الحرام

ابتداء انعقاد مجله صورت مذاکرات روز سه شنبه قرائت شد پس از آن شرحی که سیددار در خصوص واقعه (تنکابن) نوشته بودند قرائت شد شرح این واقعه این است که جماعتی از علما و طلاب و سایر اهالی تنکابن اجماع نموده در مجلس و باولای ملت و دولت متظلم شده اند که امیر اسعد پسر سیددار شیخ محمد نامی از علماء تنکابن را به جرمه اینکه بموجب احکام صدارت عظمی و علماء اعلام در خصوص انتخاب وکلای آنجا اقدام کرده و از حکومت اقدام وجد در این خصوص را درخواست نموده چوب زده و توهین نموده و جمعی دیگر از معتزمین آنجا را نیز چوب زده و بعضی را ریش بریده و توهین کرده است.

لهذا محض این اقدام شنیع و سایر تعدیات و اجحافاتی که در مدت حکومت این خانواده در تنکابن بر اهالی آنجا وارد آمده مجازات و عزل امیر اسعد و قطع پدرباست این خانواده و احقاق حقوق اهالی آنجا را خواستار شده اند.

مضمون جواب سیددار این بود که شما از آقا میرهاد که رئیس متظلمین است سؤال کنید که چرا یاد سال پدر و برادرت سر آقا شیخ محمد ریخته

و او را کتک و صدمه زدند و من در رفع آن فائده جلو گیری و اقدامات کردم.

در خصوص احضار و تحقیق در این باب هر چه مجلس تصویب کند اطاعت میشود تلگرافی هم در این خصوص امیر سید سیددار مقابله کرده و لقا فرستاده شده بود مضمون آن این بود که آقا شیخ محمد بعضی هرز گها کرده و ریش و سبیل تراشیده و در مقام این بود که دوسه نفر از منی را اخراج کنند منهم حسب التکلیف جلو گیری نموده و مانع شدم و اینکه شکایت کرده که آقا شیخ محمد را برای اقدام در امر انتخاب چوب زده و ریش تراشیده تماماً دروغ و بی اصل است.

آقا سید حسین - مریضه که در این خصوص بصدارت نوشته بود که آخوند ملا محمد نکره است و به مجازات شرافت و هرزگی که کرده بود چوب خورده مکتوب این تلگراف است این تلگراف بعد از آن مریضه بی جا و کذب و انکار بعد از اقرار است خود این شخص اولا اقرار بوقوع این امر کرده و حالا انکار می کند اینها جواب نی شود.

صدیق حضرت - این تلگراف از پسر سیددار است که طرف دعوی است و منطاً اعتبار نیست.

آقا میرزا ظاهر - اگر این آخوند ملا محمد آدم نکره و آخوند هرزه است سیددار نوشته بدهد که نوشته و قبایع املاکی که تا کنون بخط و مهر این شخص خریده باطل باشد.

آقا سید حسین - بر فرض آقا میرهاد دشمنی داشته و در طائفی نزاعی شده چهره بطی دارد و این چه جوابی است که در این موقع میدهد.

رئیس - یک نکته است که باید همیشه ملاحظه شود و آن اینست که در هر امری اولا باید تحقیقات اولیه بعمل بیاید بعد رسیدگی بشود حالا ما نمیخواهیم بگوئیم شرحی که سیددار نوشته صحیح است ولی چنانچه در مورد در خصوص تشکی سیدیکه متظلم میکرد که برادر امیر سیددار کشته سه نفر را معین نموده و تحقیق این امر را بهمه آنها محول کردیم و تمام روز گذشته را مشغول تحقیق و کشف این مطلب بودند در این خصوص هم باید کاملاً تحقیقات بشود کلیه باید در هر امری بطور تحقیق رسیدگی کرد اظهارات طرف را نمیتوان سند قرار داد.

حاج محمد اسمعیل آقا - بعد ها باید در کلیه امور دو کمال صحت و دقت رسیدگی کرد و نباید هیچ ملاحظه از هیچ طرف بشود معنی رسیدگی اینست که ملاحظه در بین نباشد.

آقا سید حسین - هیچ تحقیق بهتر از اقرار طرف نیست که خودش نوشته ملا محمد نکره بود بجهت شرافتی که کرده بود چوب خورده.

حاج محمد اسمعیل آقا - شاید خواسته آرامه را بیرون کند و افساد نماید و اسباب تحریک شده و قته بر پا کند و از او جلو گیری شده است. در این گونه امور نباید بدون تحقیق اقدام نمود و طرف هم اقراری نکرده.

آقا سید حسین - در این خصوص به حجت الاسلام شرحی نوشته اند ایشان هم بصدارت عظمی داده اند از طرف صدارت هم جوابی رسیده که میگویند آقا شیخ محمد آدم هرزه بود و تنبیه شده.

حسنعلی خان - این تلگراف که از خود او است

صند شیر نه او نمیشود البته او منکر است و قول منکر صند نیست.

آقا میرزا هاشم - کار نداریم باینکه آقا شیخ محمد نکره یا غیر نکره است هر چه است مسلمان برادر دینی ما که هست البته باید تحقیق و رسیدگی شود بطایف العیال و زبان چرب و نرم نمیتوان حق مردم را ضایع و بدخواه رفتار کرد.

آقا میرزا محسن - راه رسیدگی چیست؟

وثوق الدوله - آقا سید محمد تقی از محترمین علما و از اهالی تنکابن هستند خوبست ایشان چند نفر از موثقین اهالی تنکابن را معین کنند که تشکیل مجلسی نموده آقا شیخ محمد و پسر سیددار را حاضر کنند و رسیدگی نمایند (جمعی این ترتیب را تصدیق نمودند).

رئیس - نمیتوان اینگونه مطالب را اخفا کرد و نمیشود استخبار نموده که این شخص آخوند مکتبی یا نکره بوده البته مطلب معلوم خواهد شد.

سعد الدوله - جمع کبری از آقا بان خطاب اینجا متشکی و متحصنند و میگویند ما از اینجا نیرویم تا بمرض ما رسیدگی شود باید بوسیله تلگراف پسر سیددار را احضار نمود بعد طرف هم باینکه خود حاضر شود و در اینجا رسیدگی شود.

حاج سید نصر الله - همانطور که وثوق الدوله گفتند خوب است.

(بعضی گفتند بدون احضار آنها نمیتوان رسیدگی نمود).

سعد الدوله - اینجا بگویم رسید که میگویند باین طور نمیشود تحقیق بعمل بیاید و اسباب اعمال غرض میشود و بطلب رسیدگی نخواهد شد باید طرفین بطهران بیایند و باید اول پسر سیددار بیاید زیرا با ملاحظه و ترسی که مردم دارند تا او آنجا است کسی جرئت حرکت ندارد بعد از آمدن او طرف هم با شهود و بینة خود حاضر شود در این صورت خوبست همین طور بنویسند.

آقایان طلاب مطلع باشید که بنا بر این شد که از طرف دولت تلگراف شود پسر سیددار حاضر شود و بعد هم تلگراف کنند آقا شیخ محمد با شهود خود حاضر شود تا قانون شرع تحقیق و رسیدگی بعمل بیاید. من از وضع این مجلس و بی ترتیبی نظرها خیلی دل وایسی داشتم دیروز روز را اینجا حاضر بودند دیگر ما شاله چه عرض کنم ...

(در این موقع آقا میرهاد بمجلس اظهار کردند که ما میگوئیم امیر اسعد خیالی حاکم عادل باذل کاملی است چنانچه بنایب السلطنه و صدر اعظم مرض کردیم که ایشان بهیچوجه در تنکابن مصدر تعدی و قلم و خرابی واقع نشده اند و تنکابن را مثل ممالک فنک آباد کرده اند بنابر این خوبست ایشان را ما دور بستن سد رود هیرمند و اهواز و سایر آبادیهای مملکت بکنند و از این راه سال مبالغی بدولت قمع عاید دارند چنین وجود کافی حیف است مهمل و مهمل بماند !)

سعد الدوله - اگر این طور وجود کافی و لایقی است ایشان را همین جا نگاه میداریم که مجلس را مرتب و منظم کند. در هر صورت باید از قانون شرع تعضی و تغلف نشود. حالا همین طوره که مقرر شد عیبی ندارد.

آقا شیخ حسین - در خصوص امری که ما